

انداخته‌اند و بعضی هرزگی‌های دیگر شده است. پس شما آنجا چه می‌کنید؟ این همه استمداد و نوکر و پولیس چه می‌کنند؟ الان بفرستید جناب مستطاب آقای متولی باشی و جناب آقای نایب التولیه و جناب آقای متولی مسجد گوهرشاد و جناب آقای قائم‌مقام التولیه و بعضی اشخاص دیگر را که می‌دانید حاضر کنید بگوئید با بودن شماها که همه دولتخواه و شاه پرست هستید و در حقیقت محض آسودگی خودتان قبلهٔ عالم روحانفداه حضرت اشرف‌والا نیرالدوله را با بلیط برقرار فرمودند با چاپار حرکت نمودند. باید تا ورود حضرت معظم کارها را منظم نمائید و هرچه لازم است در حفظ امنیت و آسودگی آنجا فوراً بگوئید به عرض برسد و اقدام شود و آنچه لازم باشد از جانب مستطاب ملاذالاسلام آقای حجة الاسلام دامت برکاته آن حدود در آسودگی مردم بخواهید عنقریب که حضرت اشرف‌والا وارد می‌شود. انشالله قرار کلیه آسودگی عامه را خواهند داد.

شب ۱۵ صفر ۱۳۲۷ صدر اعظم

\*\*\*

#### تلگراف مشیر السلطنه

رکن‌الدوله از حکومت خراسان استعفا کرد (صفحه ۳۶۳) و نیرالدوله بجایش تعیین شد این تلگراف ملامت آمیزی است از مشیر السلطنه به رکن‌الدوله :

از باغ به مشهد

خدمت حضرت مستطاب اشرف‌والا شاهزاده رکن‌الدوله دام اقباله، آفرین بر عقل و کفایت شما همچو تصور می‌نماید که دیگر نباید در دنیا زندگانی نمائید. هرچه تلگراف کردم که شما زودتر حرکت نمائید، هرچه تلگراف کردم که شما زودتر حرکت نمائید، هرچه تلگراف کردم که شما زودتر حرکت نمائید و خودتان را ضایع نکنید گوش ندادید. به همان علی‌بن‌موسی‌الرضا در این فقره خیلی خبط کرده‌اید. هر کس این راهنمایی را به شما کرده است خیانت محض است. شنیدم دیشب به‌خانهٔ عبدالله خان رئیس قزاق بمب انداخته‌اند. خیلی محل تمجب است. اگر چه باور ندارم. خودتان می‌دانید عبدالله خان گذشته از اینکه سر تیپ قزاق همشیره حضرت اشرف‌والا نیرالدوله دام اقباله است این فقره پر واضح است که در این فقره غرض محض است.

شب ۱۵ صفر ۱۳۲۷ صدر اعظم

\*\*\*

#### تلگراف محمره

این تلگراف را حاجی سیف‌الدوله و سردار اسعد و خزعل در تقاضای اعاده مشروطه به شاه مخایره کرده‌اند :

از محمره به تهران

توسط فرزند عضدالدوله به شرف عرض خاکپای بیضا ضیاء اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی ارواحنا فداء می‌رساند صداقت غلام در خاکپای همایون، و امتحان خدیه‌نگزاری پنجاه و پنج سال، و چندین جهات دیگر، چاکر خانه‌زاد را مستثنی می‌دارد که در صداقت و جان‌فشانی ولی نعمت مقدس معظم ادله و براهین اقامه نماید و به قسم سوگندی متمسک شود این مساله از بدیهیات است که فخر و مباهات همه‌خانه‌زا از آن خاصه‌آنهاست که شرف انتساب مخصوص به ذات اقدس وجود مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون ارواحنا فداء دارند که خداوند در اورنگ شاهنشاهی پاینده و برقرار دارد و درین صورت چون مبروبات و مستدعیات آنها در خاکپای مبارک معلوم است که خالی از شائبه غرض شخصی و تلقی و انشاء الله تعالی در خاکپای مقدس موقع قبول خواهد شد، لهذا حسارت می‌ورزد سردار اسعد بختیاری که از فرنگ مراجعت و به سردار ارفع وارد شده دیر زمانی است اتفاق دوستی و اتحاد خانوادگی دارند نظر به اخبار منتشره کار به جایی خیلی باریک، و عرصه به اندازه‌ای تنگ شده که نزدیک است به مختصر بهانه و وسیله شرف قومیت را متزلزل دارد و به عقیده عقلای تمام عالم نایب آشوب را که تمام مملکت متمرد جوش و خروش را که از همه افراد ملت شنیده می‌شود با آب رحمت و رأفت ملوکانه زودتر می‌توان ساکت کرد و از غلیان انداخت. این غلام خانه‌زاد به زبان دو سردار حاضر که از تمامی رؤسا و افراد عشایر و قبایل خود ملتزم به غرض شده‌اند استدعای که از خاکپای ملوکانه داریم اینست که مشروطیتی را که با کمال میل و سرور مرحمت، و قانون اساسی را که به دستخط قضا شیم شاهنشاه مغفور و دستخط جهان مطاع ملوکانه معین، و مؤکداً نواقض را اکمال فرموده‌اند از راه تفضل و رعیت‌پروری عنایت و به افتتاح پارلمان فرداً اهالی را به اعاده و بذل این نعمت با قیمت ملوکانه چنان امیدواری دارند که هر يك از آنها در جان فشانی و ایثار همه چیز در راه استقلال سلطنت شش‌هزار ساله و بقا و سلامت وجود مقدس و حفظ تاج و تخت ملوکانه ارواحنا فداء با دست شمشیر می‌زنند و از قلب زبان شرایط و دعاگویی را بجا بیاورند.

۲۸ شهر سفر ۱۳۲۷ غلام خانه‌زاد سلطان محمد (که جناب حاجی سیف‌الدوله باشد).  
علی قلی بختیاری (که سردار اسعد باشد). خزعل (که سردار ارفع باشد)

\*\*\*

### لنگرافی از همدان

لنگرافی است تند و دشنام آمیز به امضای محمدباقر - که شناختیمش - زین شخص - که گویا از اهل منبر و روحانیت است - لنگراف دیگری نیز به تاریخ ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ به عنوان صدراعظم مخابره شده است که در جای خود خواهد آمد.

از همدان به طهران

نمره ۱۴۶ حضور صدراعظمی که الی حال عدل و ظلم از هم تمیز نداده یا دام تزویر

برای گمراه کردن این روسیاه نهاده، سخن نیکان می گوید و علامتی ندارد. حسنات پیش شمرده غفلت از کردار فعلی دارد. شمر هم در صفین در رکاب حجت خدا جهاد کرده، ضربت خورده، آخرش چه شد. ادعای اسلام و پیروی پیشوایش کرده، در عمل به خلاف فرموده های حجج الاسلام جد اکید داری، جان من به لفظ حلوا دهن شیرین نمی شود و بدن قوت نمی گیرد. حقانیت و مراتب دیانات حجج الاسلام و اتباع منقلبه آنها بر کسی مخفی نمی گردد و طمع استقامت استبداد بعد از این تزلزل ارکان، مانند طمع های اشعب است که دامن می گرفت به امید اینکه اگر پرنده در هوا تخم کرد به دامنش افتد. فرموده اید امر دین و مذهب است! سبحان الله کسی احتمال می دهد که حجج اسلام و رؤسای اعلام ظاهر الدیانه بین الخامس والعام به وجهی خرابی آن بخواهند این همه جد نمایند، دولتیان که مخالف احکام آن بوده و همه وقت موهن و مخرب بوده اند امروز حافظ و حامی دین شده باشند؛ نبا لهاتیک الوجوه الشاهیه. از طهران آمدن من اگر امید تغییر در احکام حجج الاسلام است معاذ الله! برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه، و اگر غرض دیگری است بیان شود تا تکلیف بدانم. آنچه لازم بود به موعظه حسنه عرض شد، تأمل فرمائید که شما را به راه خدا خواندم و یا به آتش جهنم دعوت نمودم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب. خوب است خاتمه عرایض این روسیاه باشد، نمر درستی نمی بینم. هر تلگرافی که باب کیف نباشد جواب هم نمی دهم؛ تا وقتی که تکلیف جلوگیری باشد حاضرم، وقتی که اقتضای باز ایستادن کرد ساکت می شوم. حسابی هم به دست شماها وقتی که پشیمانی سودی نکند خواهد آمد و اگر همه عرایض من گوشت تلخی بوده است و در مذهب شماها مجازاتی دارد شخصاً برای مجازات علنی آن حاضرم؛ یار و یاورى جز خداوند قهار ندارم.

محمد باقر ۲۹ صفر ۱۳۲۷

\*\*\*

### جواب شیخ نوری

این یادداشت و تلگراف را مؤلف از روزنامه خراسان نقل کرده است:

نقل از روزنامه خراسان

اظهار حیات یا خجالت قوه منفعله

در ۱۲ و ۲۰ ماه صفر چند فقره تلگراف به اعضای الاحقر فضل الله نوری و علی اکبر بروجردی به عنوان حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حبیب الله مجتهد و آقای حاجی میرزا علی و آقای میرزا ابراهیم و آقای ملا محمد علی فاضل و جناب متولی باشی به این مضمون از طهران رسیده که در جلوگیری از مقاصد غیر صحیحه اشارت و مفسدین اقدام نمایند و هر گونه دستور العمل که لازم می دانید از طرف دولت علیه و سلسله علمیه اقدام و مبادرت می شود. ماما به درج عین آن تلگرافات سراپا خرافات که قوه منفعله و حقیقت خجالت را شرمسار

می‌سازد صفحات این جریده را ملوث ننموده، تلگراف جوابیه آقایان علماء عظام را برای تنبه و آگاهی عموم مندرج می‌سازیم :

### تلگراف از مشهد به طهران

جواب شیخ نوری

بحمدالله والمنه در ارض اقدس کسی در مقام شرارت نیست . کلیه طبقات از علماء اعلام و وجوه اعیان و تجار و کسبه و غیرهم به موجب احکام مطاعه مبادی عالیه در انعقاد انجمن و مراسم مشروطیت اتفاق نموده به کلمه واحده تشکیل انجمن و ترویج احکام شرعیه الهیه نموده‌اند . اصلاً کاری که موجب خلاف قاعده یا بی‌نظمی باشد اتفاق نیفتاده، چاره هم تصور نمی‌شود مگر به مساعدت و همراهی اولیای دولت که چند مرتبه به مواعید مردم را ساکت کرده و اصلاً در مقام انجام نبوده‌اند . حال هم اگر خراسان و رعیت خراسان را می‌خواهند غیر از مساعدت و موافقت چاره نیست والا قهراً این مطلب انجام گرفته و خواهد گرفت . بدیهی است بر هر مسلمی واجب است که از جان و مال در مقام ترویج احکام شرعیه مضایقه نکنند .  
(العبد علی بن حبیب الله الحسینی) (محمد علی فاضل)

\*\*\*

### تلگراف مشهد در مخالفت با استقراض

پس از آنکه دشمنی محمدعلی شاه با مشروطه خواهان آشکار شد، و بخصوص بعد از توپ بستن به مجلس، مردم به فتوای مراجع تقلید از پرداختن مالیات سر باز زدند . لهیة قوای استبداد و نگهداری فوج قزاقان برای جنگ با ملت، مستلزم هزینه سنگینی بود که با خزانه لهی گشته دولت سازماری نداشت . شاه به چاره اندیشی سعدالدوله به فکر استقراض از اجانب افتاد (صفحه ۲۸۴ و ۲۸۷) . ملت از نیت شاه باخبر شدند . به سفیران و نمایندگان دول در طهران تلگرافهایی فرستادند و بصراحت این نکته را کذاکر دادند که حکومت محمدعلی شاه غیرقانونی است و از هر کشور و دولتی وام بگیرد ملت ایران ضامن باز پرداختنش نیست . از آن تلگرافها یکی در صفحه ۲۹۳ چاپ شده است، اینهم تلگرافی دیگر :

از مشهد به طهران

غره ربیع الاول ۱۳۲۷ - سفارت عثمانی، آلمان، انگلیس، روس، فرانس، اطریش، هولاند، ایتالی، خدمت جناب جلالتمآب اجل عالی زحمت افزا می‌شود : البته خاطر مبارک از دستخط مظفرالدین شاه مرحوم مورخه ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ در تأسیس (کنستی توسیون) و امضاء محمدعلی شاه به تفصیل مستحضر است . اوضاع حالیه ایران را هم بعد از انفصال و توپ بستن به مجلس مطلع می‌باشید . معلوم است که توپ بستن به مجلس باعث انفصال مشروطیت ایران نخواهد بود و ملت ایران همانطور که به مشروطیت معرفی شده خود را جزء دول مشروطه و دارای قانون اساسی دانسته می‌دانند. اهالی مملکت خراسان

مطابق قانون اساسی انجمن ایالتی را منعقد و به مراسم مشروطیت قیام نموده اند. لازم شد مراتب ذیل به نمایندگان دول متحابه پروتست و اعلان شود که مطابق اصل ۲۴، ۲۵، ۲۶ قانون اساسی اعطای امتیازات و بستن عهود و استقراض و غیرها باید به تصویب دارالشورای کبرای ملی باشد و در این موقع که پارلمان ایران منفصل است هرگاه امتیاز اداره‌ای از ادارات دولتی را به یکی از دول، بدون تصویب انجمن‌های ایالتی که امروزه قائم مقام پارلمان است، بدهند فردی از افراد ملت ایران نخواهد پذیرفت و اهالی به حکم رؤساء مذهب جداً مخالفت خواهند نمود. از قرار مسموع در این اوقات محمدعلی شاه اراده دارد اداره تذکره را به دولت بیهیه روس به عنوان رهن واگذار نماید لهذا عموم ملت خراسان به نمایندگی آن دولت بیهیه رسماً پروتست نموده و لازم دانست که به سایر نمایندگان محترم دول هم اطلاع بدهیم تا بدانند احدی از ماها زبیر بار این گونه معاملات نخواهد رفت.

\*\*\*

### همدردی با متحصنین

مردم رشت در این تلگراف همدردی خود را با پناهندگان مشروطه خواه سفارت عثمانی ابراز داشته‌اند

از رشت به تهران

نمره ۳۲۶، ۱۴۰-۱۳۲۶ کلمات - توسط جناب مستطاب اجل سفیر محترم دولت علیه عثمانی به هیأت پناهندگان سفارت سنیة عثمانی مقیم طهران - با يك دنيا هم وغم در اسارت و پریشان خیالی آن برادران، و با يك عالم امید به عنایت آتیة اعلی حضرت شاهنشاه ایران و نتایج حسنة اتحاد هیئت جامعه اسلامیت، و نیت حسنة سفارت عثمانی، ادعیه خیریه خالصانه خود را در نیل مقصود و حصول آرزوی ایرانیان و انعقاد فوری دارالشورای کبرای ایران در مرکز وطن که به منزله قلب برادران ایرانی است تقدیم حضور آن برادران و هم مسلکان عظام نموده، امیدواریم بزودی نعمت مشروطیت که چندی از سوء قصد اشخاص خائن معطل بود، چنانکه در آذربایجان و گیلان و سایر نقاط ایران به احکام مطاعه پیشوایان دین میبین و همت برادران غیور به ساکنین این نقاط ارزانی است، در طهران هم باهم هم آواز شویم. پاینده باد دین اسلام و آزادی.

\*\*\*

### تلگراف رشت

خبر مجلسی که پسین روز سوم ربیع الاول ۱۳۲۷ به دعوت صدراعظم در اطاق دربار اعظم شهری با حضور درباریان و تنی چند از نمایندگان ملت تشکیل شد (صفحه ۳۳۷ و ۳۳۸) چند روز پیش از انعقاد به ولایات رسید. مشروطه خواهان دور از مرکز از دعوتنامه صدراعظم خبردار و تکران شدند که میادای سران

ملت درین جلسه فریب خوردند و به تغییر مواردی از قانون اساسی کن دردهند .  
لنگراف زیر مؤید این مدعاست:

از رشت به تهران

نمره ۳۳۰، فوری است۔ عده کلمات ۱۴۵۔ توسط سفارت علیه عثمانی دام اجلاله ، خدمت ذی شرافت جناب مستطاب عموم متحصنین سفارتخانه علیه عثمانی دامت شرفهم . از قرار مسموع امروز قرار است مجلسی در اصلاح امور تشکیل شود؛ لازم گردید آن ذهن‌های محترم را مسبوق سازیم که تمام تظلمات و زحمات ملت برای استرداد حقوق مقصوبه و اجرای قانون اساسی بدون تغییر کلمه‌ای ، وانقاد مجلس شورای ملی است . در این صورت خارج از این مقدمه نباید از طرف ملتیان مذاکره‌ای بشود . هر گاه اعلیحضرت همایونی را قلب پدرا نه به رأفت آمده ، حقوق فرزندان خود را مسترد و رعایای ایران را از قید اسارت آزاد و نام نیک خود را در تاریخ به یادگار گذارند ، همه مطیع و فرمان بردار و جان‌باز حفظ اساس سلطنت ایران و ترقی این مملکت ویران خواهیم بود والا گوش ملت ایران برای شنیدن تغییر یا تحریف کلمه یا حرفی از قانون اساسی حاضر نیست .

۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۷۔ انجمن ایالتی گیلان

\*\*\*

از شیراز

با این لنگراف شیرازیان خبر تشکیل انجمن ایالتی فارس را به اصفهانی‌ها اعلام داشته اند .

از شیراز به اصفهان

به ساحت مقدس حضرت مستطاب غوثی‌المله غیثی‌الاسلامیه آیات‌الله دامت برکاتهما و سایر حجج اسلام و حضرت اشرف آقای سمصام السلطنه دامت شوکتہ ، با یک جنبش ملی اسلامی غیورانه حکیمانه که کافه ملت فارس را به مشروطه‌خواهی عملی متحد ساخت و رجال بزرگ اعیانی را برادران مساوی فرمود در سایه همایون حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه به مجاهده حضرت آیه‌الآقای میرزا و سایر علماء دامت برکاتهم و اهتمام و همراهی حضرت مستطاب اشرف آقای حاجی آصف‌الدوله دامت شوکتہ امروز که پنجم شهر ربیع‌الاول است انجمن ایالتی فارس در عمارت ظهیرالدوله که محل سابق بوده منعقد گردیده باکمال شکوه و شوکت اسلامی خطبه قرائت گردیده از این به بعد تمام مملکت فارس واحداً کلمه اتحاد عملاً در تحت قانون اساسی و مشروطه رسمی است ، بهر جا دسترس دارید اطلاع دهید .

ششم ربیع‌الاول ۱۳۲۷۔ انجمن ایالتی فارس

## فتوی

پشویان شیعه در لهیج مردم و پشرفت نهضت مشروطه سهم بزرگی داشتند ، صفحات تاریخ بیداری شاهد احکام قطعی و فتوایهای صریح ایشان است که در هر مورد و به همرناسبتی مردم را به مقاومت در برابر استبداد دعوت کرده اند . نمونه این پایمردی را در صفحات ۳۵۰ ، ۳۵۱ ، ۳۵۲ ، ۳۵۳ ، ۳۵۷ ، ۳۶۷ و دیگر صفحات این بخش و بخش اول این تاریخ ملاحظه فرموده اید . اینهم نمونه ای دیگر :

طهران نمرة ۱۸ - فی ششم ربیع الاول ۱۳۲۷ - بسم الله الرحمن الرحیم ، جناب مستطاب نخبة المحدثین ، بدیع المتکلمین سلمه الله تعالی . مرقوم جناب مستطاب شما به توسط ملازمان سرکار شریعتمدار سیدالعلماء الاعلام حجة الاسلام آقای حاجی سید مصطفی کاشانی نجفی دامت برکاته الشریفه رسید ، بعضی دیگر هم نوشته بودند که احکام صادره از مرحوم مقدس آیه الله آقای حاجی میرزا حسین قدس سره و این جانبان را درباب وجوب اتباع و انعقاد مشروطیت که امروزه موقوف علیه حفظ بیضه اسلام و مملکت اسلامیة از تسلط کفار و قطع شجرة خبیثه استبداد و رفع ظلم و فساد است به اخوان اهالی طهران ابلاغ کرده اید و در این باب مجدانه مجاهده نموده اید مقتضی دیانت و غیرت اسلامیة همین است کثر الله امثالکم . مذکور می شود بعضی در صدور آن احکام وسوسه و تشکیک می نمایند ، به عموم مؤمنین اعلام بدارید

صدور آن احکام از این جانبان محقق است و بر احدی بدون عذر شرعی تعاعد جائز نیست تا به تأیید حضرت حجة بقیة الله ولی عصر ارواحنا فداه بزودی مجلس ملی منعقد و رفع ظلم و فساد و تسلط کفر و الحاد از مملکت اسلامیة بشود . و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم من الاحقر عبد الله العازندرانى - من الاحقر الجانى کاظم الخراسانى

\*\*\*

## تلگرافی خزعل

تلگرافی است از سردار ارفع (خزعل) که پیوستگی خود را به مشروطه خواهان اعلام داشته است .

از محرمه به اصفهان

خدمت حضرت آقای مصمما السلطنه دامت شوکته عرض ارادت دارم و از سلامت وجود مبارک استعلام می نمایم . انجمن ولایتی محرمه تشکیل ، گمرک عربستان ضبط که وجوهات به طهران نرود . جهاز مظفری دولتی هم در محرمه توقیف دادم . اگر لازم بدانند برادران آذربایجانی و گیلانی را از کیفیت مستحضر فرمائید . خدمت جنابان اجل آقای سالار حشمت و منتظم الدوله دام اقبالهما عرض ارادت دارد . حاجی رئیس به عرض عبودیت حاضر ، فرمایشات مقرر است .

۷ ربیع الاول ۱۳۲۷ - خزعل .

\*\*\*

## از همدان

تلگراف دیگری به امضای محمدباقر و از همدان، خطاب به صدراعظم،  
تلگراف قبلی او را در صفحه ۵۶۲ درج کردیم.

از همدان به تهران

نمره ۵۰ - حضور مبارک آقای صدراعظم و فقه‌الله تعالی، مسموع می‌شود که باز هم کسی انکار احکام شریفه و اظهار منافی نموده، آفتاب را به دست نمی‌توان پوشید. جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و غلواً. به این تسویلات ابلیسی می‌خواهند سلطان مسلمانان را گمراه نموده صفای خواطر دریا مقاطرش که تلگراف ارفع الدوله ظاهرش نمود کدر سازند و لایفلاح الساحر حیث اتی. اگر این ذوات خبیثه نبودند این همه خون مسلمانان ریخته نمی‌شد و آن چند بزرگوار در مأمن مسلمین به آن طور فطیعی که تخم عداوت در دل‌های شیعیان پاشید شهید نمی‌گردیدند و بعد از آنکه سوء قصد آن خبیث دیگر به آیت‌الخراسانی مدالله تعالی ظلّه علی القاصی والدانی، در عتبات واضح گردید که سم قاتل همراه برداشته اسماً به زیارت کربلا و در باطن یالیتنی معکم گویان خواست ملحق به جماعت شمر و عمر سعد گردد و کار الله‌ویردی را ثانی پیدا شود و به فضل خدایی تبرش به سنگ آمده، حضرت آیت‌الله هم عفو و اغماض فرمودند و بعد از شهادت علماء اخبار در فارس و آذربایجان و غیره به دست دوستان دولت که واقعاً مجنون دولت بوده‌اند این فظایح احسان گمان نموده مرتکب گشته همه را در دل مسلمانان به اسم دولت ثبت نمودند ابدأ جای ماست مالی نمانده و عنقریب است که منجر به هیجان عمومی در تمام بلاد گردد، تلگراف حاج سیف‌الدوله و امثال آن هم که منتشر است

لطف حق با تو مداراها کند چونکه از حد بگذرد رسوا کند

به منت اعاده مشروطیت امید علاج این مفاسد هست و تمویق باعث تزاید و شدت است و گمانم این است که موافقت صادقانه با ملت در کم زمانی در عامه مفاسد مسدود و همه را در رفاه و آسایش گرداند.

به تاریخ ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ - محمدباقر

\*\*\*

## در سفارت عثمانی

در اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ آزادخواهان عثمانی پیروزی یسافتند و سلطان محمد خامس را بر تخت نشاندند. این‌خبر روز هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ در پایتخت ایران منتشر شد. در این روز سفیر عثمانی به تهیه و تدابیر جشن پرداخت، اما سعدالدوله که می‌ترسید برپا شدن جشن مشروطیت عثمانی در سفارت آن کشور آزادخواهان ایران را بیشتر به هیجان آورد و وضع وخیم‌تر شود دوستانه از سفیر عثمانی درخواست کرد برپا داشتن جشن را به چهار شب بگذرد که همزمان با



تاجگذاری محمدعلی شاه بود و موقوف کنند. این تقاضا پذیرفته آمد. (صفحه ۳۹۱)  
 اما متحصنان سفارت عثمانی بیکار نشستند، جلوس سلطان نازه عثمانی را  
 جشن گرفتند و لایحه‌ای تهنیت آمیز خطاب به صدرالدین بیگ شازردافر سفارت  
 تنظیم کردند و پاسخی تشکر آمیز شنیدند. لنگرافی نیز از طرف متحصنان به  
 استانبول مغایره شد: اینک آن هر سه:

لایحه‌ای که خطاب به شازردافر قرائت شد

به تاریخ ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

در این موقع که کوکب سعادت و اقبال ملت و دولت قوی شوکت علیه عثمانیه از  
 افق تمدن و تربیت طالع شده، ابرهای تیره اختلاف و نفاق که ملت و دولت را دچار  
 زحمت داشت مرتفع گردیده، جلوس میمنت مانوس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون ظل الله  
 خلافت پناه، سلطان السلاطین محمدخان خامس، افتخار آل عثمان ایدالله جیشه، وابدالله  
 عیشه، و خلدالله ملکه و سلطانہ را وسیله نیل سعادت و نیک بختی آن ملت و دولت قدیم و  
 قویم اسلامی دانسته این تجدید سلطنت و خلافت و شهر یاری را از صمیم قلب تبریکات خالصانه  
 گفته ادعیه سادقانه را بتوسط میزبان محترم خودمان جناب جلالت مآب اجل اکرم صدرالدین  
 بیگ شازردافر و نماینده آن دولت جاوید آیت اهدا و تقدیم سده سنیه خلافت پناهی می داریم  
 و برکات و توجهات صاحب دین مبین حضرت خاتم المرسلین صلوات الله علیه وآله واصحابه  
 اجمعین را امیدواریم که شامل هیأت جامعه اسلامی شده این دولتین و ملتین علینین در  
 نهایت اتحاد با کمال مهر و وداد در سرا و ضرا معاضد و معاون بوده اعلائی کلمه حق  
 الهیه را در مقامات عالیہ انسانیت و تمدن و جهت مقصود هم سامیه ساخته طریقه مواسات و  
 مواخات را به اعلی درجه مرعی داشته، بین الملل عالم بدیگانگی و اتفاق شهره آفاق گردند.  
 رجای واثق آنکه این تبریکات صمیمانه این هیئت عدالت خواه که در سفارت خانه کبرای  
 اسلامی برای استرداد حقوق مشروع اعتکاف دارند موقع حسن قبول یافته موجب استحکام  
 اتحاد اسلامی گردد.

لایحه جوییه سفارت کبرای عثمانی به هیأت متحصنین

۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

تبریکات صمیمانه که ذوات محترمه متحصنین سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه نمود  
 و درخواست شده که به عرض پیشگاه سده سنیه اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاه  
 خلافت پناه متبوع مفخم دوستدار، سلطان محمد خامس دام ملکه و سلطانہ به واسطه سفارت  
 سنیه برسد موجب مزید تشکر و امتنان گردید. با کمال شوق و شغف و جهت جامعه اسلامی  
 اول وسیله به عرض حضور مراحم ظهور ملوکانه خواهد رسانید و امیدواریم که به عون الله  
 تعالی مملکت ایران هم در ظل مرحمت اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون محمدعلی

شاه دام ملکه و سلطانہ نایل به سعادت کردند .

تلگراف تبریک متحصنان به استانبول

۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

توسط رئیس مجلس مبعوثان شیدالله ارکانه - حضور باهرالنوراعلیحضرتسلطانعثمانی  
السلطان محمدخان خامس خلدالله ملکه و سلطانہ ، این هیأت ملی که برای حقوق مقصوبه  
خود در سفارت سنیه عثمانی در زیر بیرق حریت خواهانہ آل عثمان التجا نموده است  
موقع را مفتنم شمرده جلوس آن اعلیحضرت را به اریکه سلطنت عنصمیمالقلب تهنیت و  
احترامات فائمه کوچکترانه خود را به خاک پای ملوکانه عرض می دارد . (متحصنین)

\*\*\*

### اعلامیه انجمن احبا

پس از قیام محمد ولیخان سپهدار درشمال ، و آمادگی سردار اسعد و مصمص  
السلطنه به معاضدت سرداران آذربایجانی ، محمدعلی شاه در برابر مجاهدان  
درمانده و درظاهر به اعاده مشروطیت ناچار شد و روز هجدهم ربیع الاول  
سال ۱۳۲۷ مطابق نولدهم برج ثور به امید رام کردن آزادیخواهان دستخطی  
دایر برمشروطه خواهی و ذکر خدمانی که درزمان ولیعهدی به مشروطیت کرده ،  
منتشر نمود . آزادی خواهان که می دانستند محمدعلی شاه از ناتوانی مهربان  
شده است به انحاء گوناگون ملت را و مجاهدان را هشدار دادند . برخی از  
آن بیانیها درمتن کتاب آمده است . این هم اعلامیه یا تلگرافی است به امضای  
دهیات انجمن احبا ؛ نکات قابل تأملی دارد ، بخصوص آنجا که به مقاولات  
روس و انگلیس اشارت می کند .

جمعه نهم ربیع الثانی ۱۳۲۷

حضور محترم اعضاء کمیسیون سفارت سنیه دامت بقائهم

مطابق ترتیبی که از مقامات عالیه دیده و شنیده می شود این دوسه روزه درباریان راه  
چاره جویی را بدان منحصر داشته اند که به اقوال شایمه انتشار بدهند مشروطه مرحمت شده  
و حقوق مقصوبه ملت مظلوم ادا خواهد شد . و این فقره فقط محض قول است فعلیت آن ابدأ  
معلوم نیست . همچو استنباط می شود که ظاهر سازی می نمایند و در زمینہ دیگر باطناً کار  
می کنند . به ملاحظه اینکه مبدا غفلتی از اطراف و جوانب بعمل آید این هیأت لازم  
دانستند حدس و قیاس خود را عرضه داریم که اوضاع حالیه و گفتگوی دولتیان پرده ای از  
پرده ها بشمار اندر است . چنانچه صلاح دانند و مقتضی باشد به قاطبه انجمن ایالات و  
ولایات از کمیسیون محترم اعلان شود که درموقع فرستادن و کیل محترم برای مجلس مقدس  
ذهن خودشان را از پلتیک دولت خسارج ندارند و به اندازه ای که لازم باشد از مراقبت و  
محافظة شخص و کیل محترم خود کوتاهی ننمایند و به اقصی مراتبه عده ای که امتحان شده